

مؤلفه های نظریه فرهنگ سیاسی کارآمد

محمد علی سوادی^۱

استادیار و پژوهشگر مجتمع زبان، ادبیات و فرهنگ شناسی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۲

چکیده

در هر علم یا موضوعی بدون نظریه ناظر به مسائل آن علم یا موضوع، نه می توان آن مسائل را به صورت دقیق و همه جانبه و ژرف شناخت، نه می توان راه حل هایی مناسب برای آن مسائل ارائه داد. تلقی به قبول شدن شناختی از یک مسأله یا راه حلی در قلمرو یک علم یا موضوع (بدون اظهار یک نظریه مشخص)، از ناحیه جامعه علمی، می تواند به لحاظ احتمال وجود یک نظریه ارتکازی (هر چند اجمالی) در ذهن فاعل شناسای آن شناخت و ارائه دهنده آن راه حل یا بهتر از هیچ انگاشتن همان مقدار شناخت و راه حل، در غیاب یک نظریه توانمند باشد. برای آسیب شناسی و تکامل بخشی به فرهنگ سیاسی هر جامعه ای، پردازش کلان نظریه و خرد نظریه های تفصیلی کارآمد (از راه شناسایی و تبیین مؤلفه های آن فرهنگ) لازم است. از جمله اجزای یک نظریه مؤلفه های آن است و فرهنگ سیاسی هم نیازمند به نظریه است. مؤلفه های کارآمد نظریه فرهنگ سیاسی عبارت اند از: رعایت عدالت (و برابری به گاه استحقاق های برابر و شایسته سالاری و برخوردار شدن از فرصت های برابر، رعایت حقوق افراد، گروه ها و جامعه از جمله میزان احساس رضایت همگان از ساختارها، فرایندها، مؤلفه ها و ساحت های گوناگون جامعه و فقدان شکاف طبقاتی نامعقول)، رعایت مصلحت، مردم سالاری واقعی (مردمی شدن امور و مشارکت همگانی)، آزادی، علم سالاری، معنویت محوری و تربیت بنیانی، جوان گرایی، همبستگی اجتماعی و اخوت و اتحاد کلمه، تعاون، عزت گرایی، انقلابی بودن، اعتماد به نفس فردی و ملی، نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) و نظارت نهادی مؤثر، گونه های امنیت (اقتصادی، درآمدي، شغلی، بهداشتی، ...)، کرامت شهروند و عزت ملی (در سطح نظام بین الملل) و رفع نیازهای گوناگون (اقتصادی، فرهنگی، ...) است.

واژگان کلیدی

فرهنگ سیاسی، کارآمدی، عدالت، وحيانیت عقلانی، اخلاق، مشارکت همگانی.

مقدمه

مراد از مؤلفه ها مقومات سازنده نظریه هستند که از یک طرف بر پایه مبنا یعنی توحید هستند و از طرف دیگر باید همراه با دیگر مقومات (و در ارتباطی منسجم)، زمینه ساز نیل به غایت کارآمدی فرهنگ باشند. مؤلفه های نظریه کارآمد فرهنگ به عنوان سازه های روبنایی تشکیل دهنده کلان نظریه کارآمد فرهنگ اسلامی هستند. برخی از این مؤلفه ها به ظاهر عام است ولی با توجه به این که هر کدام در مناسبات شبکه ساختارهای فرهنگ سیاسی - الهی می یابد، دلالتی ویژه برای این فرهنگ در بر دارد، یعنی به عنوان مثال فهم عدالت سیاسی همه جانبه و عینیت بخشی به آن در فرهنگ سیاسی، اقتضائات خاص خویش دارد، هر چند که مراد از آن همان قرار دادن هر کسی و هر چیزی در جایی است که حق اقتضا می کند یا اعطای حق هر کسی و هر چیزی بر اساس استحقاق وی یا آن باشد. مراد از همه جانبه، مبنا بودن عدالت سیاسی برای تمام ساحت های اقتصادی، فرهنگی، ... زندگی اجتماعی است و مراد از فراگیر بودن آن، در بر گرفتن تمام لایه های عمودی (فردی تا بین المللی) است. مبانی و اصول عدالت بیشتر فطری یا عقلی (عقلانیت و حیانی) است تا نقلی (و حیانی عقلانی)، ولی حدود، قواعد، ضوابط و معیارهای مصادیق عدالت اجتماعی - سیاسی بیشتر نقلی (و حیانی عقلانی)، است تا عقلی (عقلانیت و حیانی). هر چند هدف میانی تمام انبیا استقرار عدالت همه جانبه و فراگیر بوده است، ولی در ادیان آن گونه که باید عدالت نقشی بنیادی و تعیین گر برای مجموعه گزاره ها و آموزه های معارف (اصول، ارزش ها، ...) نیافته است؛ و این گونه نبوده است که پیش از هر استنباطی، تمام پیش فرض ها و تمام موارد در همه فرایندهای استنباط از دین، با اصول و معیارهای عدالت سیاسی - اجتماعی سنجیده شود و در پایان هم باز نتیجه با میزان عدالت ارزیابی بشود.

در حد ظرفیت مقاله تنها به چند مؤلفه آهم اشاره می شود:

عدالت طلبی

در منظومه دین از یک سو عدالت اجتماعی هدف میانی (واسط) محسوب می شود و هدف تمام انبیای الهی - متناسب با قلمرو رسالتشان، استقرار عدالت (در ساحت های گوناگون حیات فردی و اجتماعی) بوده است و از دیگر سو مبنا و مقیاس برای تمام نگرش های کلامی، فلسفی، عرفانی و تمام رشته های علمی، ادبی و هنری زیر منظومه دین می باشد و هر گونه گزاره یا آموزه منافی با عدالت مردود است. یعنی به طور کلی دانش دینی و تمام رشته های علوم باید مبتنی بر عدالت باشند و در راستای اجرای عدالت باید سعی شود که در جامعه (جهانی) حق هر شخص حقیقی یا حقوقی (هر واحد سیاسی) به صورت کامل به وی داده شود و هر گونه تبعیض یا ویژه خواری از بین برود.^۱

انسان به عنوان خلیفه مکرّم خدای سبحان که بنا به فطرت الهی خویش کمال دوست و کمال گراست و به تبع مستخلف عنه در تلاش برای دست یابی خویش و دیگران به برترین درجات ممکن کمال از جمله عدالت جوئی و عدالت گستری است و آن را اصلی ترین و اولین پیش نیاز سیر الی الله خویش می داند. زیرا به گواهی قرآن و رسول الله همه امور عالم باید بر اساس عدالت باشد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۲ (نحل: ۹۰)، «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»^۳ (مائده: ۸)، «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»^۴ (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۴: ۱۰۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق:

۱. «دولت متعلق به مردم، نوکر ایشان و خدمت گذارشان باشد». (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۷)

۲. خداوند به شما فرمان می دهد (تا برای پدید آمدن جامعه ای صالح) با مردم به عدل و داد رفتار کنید و به آنان نیکی کنید.

۳. به عدالت رفتار کنید که آن به تقوا نزدیک تر است.

۴. آسمان ها و زمین بر اساس عدل استوار گشته است.



ذیل آیه ۷ الرحمن)، و با غفلت از عدالت دست یابی به تقوی و مراتب برتر کمال (مقام صفح برتر از کرامت اخلاقی عفو، و مقام احسان - زیرمجموعه عفو - و فراتر از عدل) غیر میسور است: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ»^۱ (بقره: ۲۳۷)، «وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظُ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۲ (آل عمران: ۱۳۴)، «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳ (نور: ۲۲)، «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ»^۴ (حجر: ۸۵)، «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا»^۵ (بقره: ۱۰۹). (ر.ک: جواد آملی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۵۰-۴۵۳) خدای سبحان بر عزت اهل عفو می افزاید، زیرا عفو کننده متقی است و متقی - عند الله - برخوردار از کرامت است. (همان: ۴۵۹) فرد برخوردار از مقام احسان نه تنها بدی دیگران را با بدی مشابه تلافی نمی کند که از بدی دیگران حکیمانه (نه از سر عواطف و احساسات) می گذرد: «لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ»^۶ (نحل: ۱۲۶)؛ گذشتی که زمینه دشمنی و کینه را در دل دو طرف به طور کامل از بین می برد: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»^۷ (فصلت: ۳۴) از همین رو جنگیدن با کینه درون و مقابله با حس تشفی جوئی بسی دشوارتر

۱. گذشت شما به تقوا نزدیک تر است؛ و در میان خود بخشش و بزرگواری را فراموش نکنید.
۲. تقوای پیشگان کسانی اند که خشم خود را فرو می خورند و از لغزش مردم در می گذرند. اینان نیکوکارند و خدا نیکوکاران را دوست می دارد.
۳. و توانگران باید خطای آنان را ببخشند و از لغزششان چشم پوشی کنند. آیا دوست ندارید که خدا گناهانتان را بپامزد؟ و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.
۴. پس تو - ای پیامبر - کفر و تمسخر کافران را نادیده انگار و به نیکی چشم پوشی کن.
۵. شما آن ها را عفو کنید و گذشت نمائید.
۶. و اگر شکیبائی پیشه کنید این کار برای شکیبایان بهتر است.
۷. هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت همچون دوستان گرم و صمیمی شوند!

از انتقام جوئی است و جهاد اکبر محسوب می شود و چنان مجاهدی، نه صرفاً بهشتی، که مقرب درگاه الهی است. از همین روست که انتقام - مقابله عادلانه و برحق نسبت به حق شخصی - که حسنه ابرار است، نزد مقربان سیئه و نارواست.^۱ بر پایه برخی روایات گذشت از قصاص و یا کل یا بعض دیه، زمینه ساز آمرزش تمام یا بخشی از گناهان است.^۲ اینهمه تأکید بر گذشت بجا، به لحاظ تأثیر تربیتی آن بر خطاکاری است که از روی غفلت یا اشتباه مرتکب ناروایی شده است؛ ولی اگر بدی ظالم به گونه ای باشد که جز با تنبیه دفع نشود، گذشت بیجا از آن نشانه فرومایگی است و افشاگری و رسوا سازی چنان ظالمی روا می باشد: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ»^۳ (نساء: ۱۴۸)، «لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الذَّلِيلُ»^۴ (سید رضی، ۱۴۱۵: خطبه ۲۹)، «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»^۵ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۲: ۷۲؛ سید رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۳۱۴) (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۲۲: ۵۵۳-۵۶۰)

در فرهنگ مطلوب و کارآمد اسلام از نقاط اصلی تمرکز، امتدادهای اجتماعی-سیاسی توحید است و برجسته ترین مؤلفه عدالت اجتماعی-سیاسی می باشد: «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۶ (بقره: ۲۷۹) فراگیری رعایت اصل عدالت شامل تمام ساحت های سیاسی، اقتصادی، ... و تمام سطوح فردی، اجتماعی، فروملی، فراملی- اعم از اسلامی، توحیدی یا انسانی - است و هیچ گونه استثنایی برنمی تابد. در این

۱. حسنات الأبرار سیئات المقربین (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۰۵).

۲. الدر المنثور، ج ۳، ص ۹۲-۹۳؛ الکافی، ج ۷، ص ۳۵۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰۸.

۳. خدا بلند کردن صدا را به بدگویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به او ستمی شده باشد و خدا شنوا و داناست.

۴. عدم مقابله آسیب دیده نشانه فرومایگی است

۵. سنگ را از همان جا که می آید دفع کنید، زیرا بدی جز با بدی دفع نمی شود.

۶. نه ستم کنید نه به شما ستم رود.



راستا مقام معظم رهبری می فرماید: «نظام جمهوری اسلامی اساساً برای پاسخ به دعوت پیامبران تشکیل شده که محور اساسی آن عبارت است از رساندن انسان به تکامل معنوی؛ و این ممکن نمی شود جز در سایه ایجاد یک دنیای عادلانه برخوردار از حسنات و معروف های فراهم کننده زندگی تحمل پذیر و لذت بخش.. ما می خواهیم به جامعه عادلانه الهی و اسلامی (به عنوان هدفی میانه) دست یابیم تا در سایه آن بتوانیم خودمان را به تکامل و نقطه امن و امان برسانیم.» (ر.ک: امام خامنه ای، ۱۳۸۷، بیانات ۲۱/۳)

مصلحت اندیشی

مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، شورای امنیت ملی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، شورای عالی قضائی، مجلس خبرگان رهبری، نهاد رهبری، و دیگر مراکز تصمیم گیری دولت اسلامی، باید به گاه اتخاذ تصمیم، چنان مصالح ملی، اسلامی و انسانی را در نظر بگیرند که در حد امکان منافع تک تک افراد جامعه، امت اسلام و بلکه همه انسان ها لحاظ بشود. فهم مصلحت سیاسی به صورت أصح و اتم، در پرتو نگرش منظومه ای، ملاحظه دقیق منزلت واقعی عقل، پذیرش ظرفیت و رسالت دین نسبت به سامان بخشی به فرهنگ و زندگی سیاسی - اجتماعی همه انسان ها و جامعه ها، شناخت ژرف اقتضائات زمان و مکان، جهانی اندیشی (با توجه به مقدمات و لوازم جهان شمولی دین)، شناسائی عالمانه ساختارهای سیاسی - اقتصادی بین الملل، ... می تواند میسر بشود. تنها آن گاه که همانند امام خمینی باور نمائیم: «حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمام معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است» و «فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» می توان به گونه صحیح مصلحت سیاسی جامعه و جهان را ادراک نمود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۸۹)

در مواردی مراد از مصلحت رعایت اقتضائات عدالت است و در مواردی

مصلحت یکی از مصادیق عدالت (در زمینه عدم امکان کاربست کامل عدالت) است.^۱

مردم سالاری تمام عیار

مقایسه شیوه های انتخاب زمام داران و نهادهای سیاسی و نیز شرایط انتخاب گران و انتخاب شوندگان در فرهنگ های لیبرال و جمهوری اسلامی ایران، بیانگر کاستی ها و محدودیت های بسیار در فرهنگ های لیبرال، حتی بر اساس مبانی لیبرالیسم (از جمله نمونه های متفاوت آمریکائی، انگلیسی و فرانسوی آن) و امتیازهای بسیار در نظام حق تعیین سرنوشت جمهوری اسلامی ایران است؛ هر چند در جمهوری اسلامی ایران هنوز کاستی های فراوانی وجود دارد؛ مانند تصویب شدن قانون انتخابات توسط ذی نفعان؛ برخی دشواری های وقت گیر در فرایند بررسی تأیید صلاحیت ها، از جمله اجازه ثبت نام یافتن برخی افراد فاقد صلاحیت کافی، برای سمت هائی بس حساس مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی یا خبرگان و یا ریاست جمهوری (آن هم به ویژه در نظامی مبتنی بر آرمان های انسانی، اسلامی و انقلابی که وجهه همتش تکامل حد اکثری و همزمان معنوی و مادی همه افراد ملت و حتی دیگر مسلمان ها و انسان ها و حتی دفاع از حقوق ایشان می باشد). نیز هر چند به مردم آزادی سیاسی و حق تعیین سرنوشت حد اکثری در چارچوب دین داده می شود و هیچ گونه اکراه یا حکومت تحمیلی در دین روا نیست، ولی (به رغم تمام شبهه افکنی های بی اساس، و بر اساس مبانی ای بدیهی یا عقلی) حق حاکمیت مطلق الهی به پیامبر، امام معصوم و ولی فقیه (کارشناس واجد جمیع صلاحیت های بایسته) واگذار شده است. بر مبنای توحید سیاسی حاکمیت مطلق از آن آفریدگار انسان و جهان و مدیر و مدبر ملک و ملکوت است و هیچ

۱. در باب این موضوع به کتاب ها و مقالات مفید نگاشته شده، از جمله فقه و مصلحت اثر ارزشمند استاد ابوالقاسم علی دوست رجوع شود.

مرجعی جز وی هیچ گونه حقی بر حکومت ندارد، مگر این که از جانب پروردگار حقی به آن شخصیت حقیقی یا حقوقی اعطا شده باشد، آن هم در محدوده همان حد تعیین شده برای آن مرجع و در راستای همان هدف در نظر گرفته شده و در چارچوب و بر پایه اصول تعیین شده. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: اگر چه ما در اسلام به این صورت چیزی نداریم که به گاه اختلاف آراء، اکثریت را بر اقلیت ترجیح دهیم، لکن امری عقلایی و روشن و لابد منته در مسائل گوناگون بشری است که اسلام آن ها را تصویب و امضاء کرده است. به گاه تصمیم گیری پنج نفر در باره چیزی، در صورت اتفاق نظر سه نفر بر این امر مرتبط با سرنوشت آن پنج نفر، آن دو نفر قاعداً باید تسلیم بشوند. البته خاستگاه این قضیه انتخابات و نمایندگی، قضیه عقب نماندن عرف متداول دنیا و پیروی از دموکراسی نیست. تفکر اسلامی بر مبنای یک پایه محکم، برخاسته از ولایت الله، با شیوه مشخص و تدوین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در بینش اسلامی، ولایت متعلق به خداست؛ یعنی هیچ احدی بر دیگری ولایت ندارد. در همین حال خدای متعال به انسان ها حق داده که حقی را به کسی بسپرنند، یعنی بنا شده که بگویند آقا! شما بیا برای ما این کارها را انجام بده. مردم هم این حق را در آرای خودشان در مجلس، ریاست جمهوری و در آن چیزهایی که به آرای مردم وابسته است، به افراد می دهند. بنا بر این پایه مردم سالاری دینی پایه ای اصیل و عمیق و حقیقتاً مورد اعتقاد است. (ر.ک: امام خامنه ای، ۱۳۸۷، بیانات ۳/۲۱) ولی برای برخی دموکراسی ابزاری موسمی است؛ به تعبیر مقام معظم رهبری، یک روز که آرای مردم به نفع جماعتی باشد، جمهوریت و آرای مردم اهمیت پیدا می کند، ولی روزی که نگاه مردم صاحب حق برخلاف نظرشان باشد، آن وقت همین جمهوریت و آرای عمومی، می شود عوام گرایی و توده گرایی! و شرحی مبسوط در باره غلط بودن نظر توده داده می شود، گاهی می بینید که در نوشته ها از فلان نویسنده قرن های سوم و چهارم

اسلامی گرفته، تا فلان نویسنده مسلمان، تا زمان ما؛ برتراند راسل و نمی دانم گوستاو لوبون در باره خطرات آرای عامه و تسلط عامه می نویسند که فلان کس گفت نظر عامه اصلاً غلط و خطاست! یعنی بکلی برمی گردد. «وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ» (نور: ۴۸-۴۹): اگر به این جماعت گفته شود بیاید طبق شاخص کتاب و سنت عمل کنید- همان مبنایی که عرض کردیم - رو برمی گردانند؛ اما اگر چنانچه به نفع خودشان باشد، آن وقت اذعان و قبول می کنند! بعد قرآن می فرماید: «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ» (نور: ۵۰): مرض دارند،^۱ یا نه، در مبانی اسلام شک کرده اند، می ترسند خدا و رسول به آن ها ظلم کنند. زمانی همین جماعت که در پی ایجاد نزاع و درگیری در بین بخش های مختلف حاکمیت بودند به تعبیر مقام معظم رهبری، عده ای هم در داخل بحث حاکمیت دو گانه را که عناصر بیرون می گفتند از روی غفلت طوطی وار صریحاً تکرار می کردند. رد پای این افکار بخوبی در گزارش های سرویس های امنیتی و اطلاعاتی خارجی قابل مشاهده است. حتی هنوز این هدف وجود دارد، هر چند دیگر به این معنا تصریح نمی کنند و به زبان نمی آورند. (همان)

مردم سالاری دینی دارای دو مؤلفه مشروعیت الهی- برآمده از توحید سیاسی (و نبوت و امامت) و مقبولیت مردمی است. به گاه عدم امکان یا صعوبت دسترسی به پیامبر یا امام معصوم و یا فراهم نبودن آن امکان برای همگان، نماینده مستقیم (خاص) یا غیر مستقیم (عام) ایشان که واجد شرایط لازم برای ایفای مسئولیت هدایت و مدیریت مادی و معنوی جامعه باشد، با پذیرش مردم، رهبری جامعه را بر

۱. مرض در اصطلاح قرآن - «فی قلوبهم مرض» - یعنی همان اهواء نفسانی که اراده انسان را تحت تسلط خودش قرار می دهد، این غیر از نفاق است. «فی قلوبهم مرض» مقوله دیگری است، البته در مواردی به نفاق هم منتهی می شود. «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا».



عهده می گیرد تا بر اساس منابع معتبر دین (کتاب، سنت، عقل، ...) زمینه حد اکثری - هم گرائی، مشارکت، همیاری، پیشرفت، ... را فراهم بیاورد. مقبولیت و پشتیبانی مردم - به مثابه رکن اساسی مشروعیت - برای تشکیل و استدامه حکومت بسیار حائز اهمیت است. حضرت امام خمینی (ره) می فرماید: «اراده مردم باید در اصل تفویض قدرت دخیل باشد و الا قدرت مشروعیت لازم را ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۱۷۰). پشتیبانی مردم به صورت های گوناگون می تواند ظهور بیابد؛ حضرت امام خمینی (ره) در مورد نقش آفرینی حیاتی ملت در مدیریت کشور می فرماید: «اسلام در رابطه بین دولت و زمام دار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت آن هرگز رابطه مسلط و زیر سلطه به وجود نمی آید». (همان، ج ۵: ۴۰۹) نیز می افزاید: «در حکومت به طور قطع باید زمام داران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم گیری ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی توانند به تنهایی تصمیم گیرنده باشند». (همان: ۴۳۶) و یا می فرماید «ملت ها اگر با یک چیزی مخالفت کردند، دولت ها نمی توانند اجرا بکنند. امروز مثل سابق نیست که یک دولتی بیاید هر غلطی می خواهد بکند. خیر، باید موافق امیال صحیح ملت عمل بکند. نوکر ملت باید باشد، نه آقای ملت». (همان، ج ۱۵: ۳۷۳)؛ نیز خطاب به دولت می فرماید: «دنبال این نباشید که هر چیزی را دولتی کنید، دولتی کردن در یک حدودی است که معلوم است، لکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید». (همان، ج ۱۹: ۴۰۹)؛ نیز می فرماید: «آزادی و دموکراسی به تمام معنا در حکومت اسلامی است». (همان، ج ۵: ۶۹ - ۷۰)؛ «در جمهوری اسلامی، هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است». (ر.ک: همان، ج ۵: ۱۳۹) نیز از آن رو که از منظر اسلام اساس ساختارهای جامعه و نظام بین الملل باید بر اساس عشق باشد حضرت امام خمینی می فرماید: «در حکومت اسلام جوّ، جوّ محبت است. بین شخص اول مملکت با ادنی فردی که به حسب نظر مردم ادنی حساب می شوند، فرق اساسی مربوط به دنیا

نیست». (همان، ج ۷: ۲۳۳) یا می فرماید: «همه چیز مدیریت نظام حکومت اسلامی برای رفاه مردم در محیطی محبت آمیز است». (ر.ک: همان: ۲۳۳) نیز حضرت امام خمینی می فرماید: «دولت واقعاً باید با تمام قدرت آن طوری که علی (علیه السلام) برای محرومین دل می سوزاند، دل بسوزاند. مثل پدری که در صورت گرسنه ماندن بچه هایش، با دلی افسرده در پی سیر کردن آن هاست». (ر.ک: همان، ج ۱۸: ۱۵۹) و یا می فرماید: «قدرت فساد ذاتی ندارد و آثار آن بسته به این که در دست چه کسانی باشد، متفاوت است»، به عنوان مثال «خدای تبارک و تعالی قادر است و قدرت کمال است، ولی قرار گرفتن قدرت در اختیار زورمندان بی بهره از انسانیت، بی خرد، غیرمذهب، ظالم و فاسد، مصیبت بار و خطر آفرین است. قدرت وقتی می تواند کمال باشد که در اختیار دانشمند و عاقل باشد، آن طوری که شنیدم مرحوم مدرس گفتند که شیخ الرئیس می گفته است که من از گاو می ترسم، برای این که شاخ دارد ولی عقل ندارد. (ر.ک: همان، ج ۱۳: ۳۲) «دولت بداند که اگر مردم و بازار را در فشار قرار دهد، فاتحه اش خوانده است». (ر.ک: همان، ج ۱۷: ۲۵۱)؛ «اسلام به ما اجازه دیکتاتوری نداده اس؛ ما تابع آراء ملت هستیم. ما حق نداریم و خدای تعالی و پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که چیزی به ملتمان تحمیل کنیم». (ر.ک: همان، ج ۱۱: ۳۴)؛ «این جا آرای ملت حکومت می کند و ملت حکومت در دست دارد». (ر.ک: همان، ج ۱۴: ۱۶۵)

مردمی شدن امور

در جامعه هر فردی وظایف و احکامی فردی دارد و وظایف و احکامی اجتماعی - چون عزم ملی، حضور همگانی در صحنه، صیانت از حقوق مشترک، هماهنگی و وحدت در راستای ترمیم ضعف ها، ... - که فرد نسبت به هر دوی این دوگانه ها مسؤول است: در آیه شریفه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱

۱. و همگی به ريسمان الهی (قرآن و پیامبر) که شما را به خدا پیوند می دهد، چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی پرهیزید.



(آل عمران: ۱۰۳)، "جميعاً" و "لا تفرقوا" تأکیدی است بر مردمی شدن امور و حفاظت از توحید کلمه. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۰۳-۵۰۴) حضرت امام خمینی می فرماید: «تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید، امر این است که همه با هم اعتصام به جبل الله کنید.» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۴) در این زمینه حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به توطئه دشمن برای ایجاد شکاف میان نظام اسلامی و مردم، همگان به ویژه مسئولان را به هوشیاری، ایستادگی، تدبیر، انسجام ملی و دوری از اشرافی گری فرا می خوانند و تأکید می فرمایند: اگر مؤلفه های اقتدار ملی تقویت شوند و در مقابل دشمن سستی و تسلیم نشان داده نشود، بدخواهان بار دیگر در رسیدن به اهداف خود ناکام می مانند. همچنین می افزاید: مسئولان مراقب باشند از سهل انگاری، تبلی، اشرافی گری، تکبر نسبت به مردم و تکیه به جایگاه چند روزه ریاستی اجتناب کنند. نیز با اشاره به آیاتی از قرآن کریم می فرماید: لازمه بی اثر شدن توطئه های دشمنان صبر و تقواست. سپس می افزاید: انقلاب اسلامی، ریشه دار و آینده دار است و دست یابی به آرمان های بلند آن، به صبر و استقامت نیاز دارد. ایشان همچنین گفتند: تقوا به معنای مراقبت از خود در مقابل دشمن است و لازمه این مراقبت، هوشیاری در برابر حيله های دشمن و اعتماد نکردن به او، تدبیر و عقلانیت، و پرهیز از سهل انگاری و سستی است. برنامه دشمن، ایجاد شکاف و جدایی میان نظام و مردم است و این طراحی نشان دهنده حماقت آن هاست، زیرا نمی دانند نظام جمهوری اسلامی، چیزی جز ملت ایران نیست و این دو جداشدنی نیستند.

ایشان با تأکید بر متکی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران بر آحاد مردم و ایمان و محبت و عواطف ایشان، به شکست تلاش های رؤسای جمهور قبلی امریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی اشاره کردند و افزودند: هدف از فشارهای اقتصادی کنونی، به ستوه آوردن مردم است اما به حول و قوه الهی، ما روز به روز با مردم پیوندان را بیشتر می کنیم و با حفظ انسجام دشمن شکن خود، جوانان مؤمن و

پرانگیزه و اهل اقدام را تقویت. همچنین افزودند: اگر مسیر صبر و تقوای همراه با هوشیاری و تدبیر و انسجام ملی با قدرت ادامه پیدا کند، یقین داشته باشید مودی گری ها به نتیجه نمی رسد. (ر.ک: امام خامنه ای، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۷، ۹ تیر)

به ویژه در جوامعی مانند ایران ایمان و دلبستگی مردم به آرمان ها، شعائر و اسوه های دین دستمایه عظیم نظام و الگویی برین برای حاکمیت در راستای مشارکت دادن همگان در هدایت و مدیریت جامعه فرو ملی، ملی بلکه برخی نیازهای فراملی (دفاع فرا سرزمینی، ...) است و مشارکت دینی مردم، یکی از بهترین و زیباترین جلوه های این همبستگی است؛ و یکی از راه های تقویت مشارکت جویی و تقویت احساس مشارکت داوطلبانه مردم در مقوله های ناظر به ساحت های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، ... و سرنوشت ملی شان است و دیگری مشارکت دادن مردم در انواع امور خیر از سوی حاکمیت. یعنی باید امور به صورت حد اکثری به خود مردم واگذار بشود؛ در این راستا حضرت امام خمینی می فرماید: «ساختن یک مملکت با دست یک گروه امکان ندارد؛ محول کردن مطالب به دولت یا به روحانیت [تنها] صحیح نیست، برای این که اینها [به تنهایی] قدرت این کار را ندارند، تمام گروه ها و تمام افراد ... وظیفه دارد که در این نهضت خدمت کنند.» (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۲۰) دولت بی شرکت ملت و توسعه بخش های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود. (همان، ج ۱۹: ۱۵۷) نیز می فرماید: «جدایی دولت ها از ملت ها منشا همه گرفتاری هایی است که در یک کشوری تحقق پیدا می کند.» (همان، ج ۹: ۱۱۸)؛ «دولت و مردم نباید از یکدیگر جدا بشوند، اگر جدا شوند، ملت از گرفتاری دولت خشنود می شود و مردم از مالیات و کار می دزدند، ولی هرگاه یکی باشند، مردم در مواقع لزوم برای رفع



نیاز دولت حتی گلیم زیر پای خود می فروشند و به دولت می دهند.» (ر.ک: همان، ج ۱: ۱۲۳)؛ نیز می افزاید: «جدایی ملت از دولت بلکه رو در رو قرار گرفتن آن ها، موجب ضعف آن ها و گرفتاری دولت و ملت شده است، و تا این مشکل را خود دولت ها رفع نکنند روی سعادت را نخواهند دید و همیشه گرفتار دست خیانتکاران و اجانب خواهند بود.» (همان، ج ۹: ۱۲۹).

البته اگر در جایی واقعاً واگذاری کامل کارها به مردم ممکن نباشد (اما قرار گرفتن مردم در جریان فرایند- از آغاز تا انجام- اموری که در اختیارشان نیست بلامانع باشد) همه چیز به صورت شفاف در معرض دید افراد قرار گیرد. این شفاف سازی باید همواره بسیار سریع و بهنگام باشد تا دشمن کوچک ترین فرصتی برای تشویش اذهان نیابد. مدیریت برخی امور نمی تواند به مردم واگذار شود و حتی بسیاری از بخش های آن باید در اختیار دولت باشد، ولی در همان موارد بسیاری از امور می تواند به صورت شفاف در اختیار مردم قرار گیرد و در بسیاری از فعالیت های همان امور از همیاری مردم کمال بهره گیری بشود. باید در برنامه درسی پیشا مدارس تا آخرین مراحل تحصیلات تکمیلی پیوسته بر نقش و آثار مشارکت فعال و حد اکثری مردم تأکید بشود و در این زمینه هم تمام آگاهی های لازم (به ویژه آگاهی های سیاسی) در اختیارشان قرار گیرد و هم انگیزه کافی و مستمر به ایشان داده شود؛ اینهمه غیر از رسالتی است که بر عهده انواع رسانه های جمعی و حوزه های علمیه و دانشگاه ها می باشد.

چنان که در دوران نهضت پیش از پیروزی انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب، به ویژه دوران جنگ، یکی از عوامل مشارکت فعال و بیشینه مردم دشمن شناسی و انگیزه کافی برای دشمن ستیزی بود. بنا بر این بهره گیری از ظرفیت عظیم مردم، وابسته به میزان آگاهی یافتن و انگیزه داشتن مردم در این زمینه است.

پس چون هر گونه سخن یا اقدام گسست زا و منجر به تفرقه دینی، قومی، ...،

مشارکت ستیز است، تمام سازکارهای لازم برای پیشگیری از آن و مبارزه قاطع با آن، باید به صورت جدی مطالعه و با عزم راسخ اجرا بشود. برخورداری و اعمال حقوقی چون آزاد اندیشی، آزادی بیان، تشکیل اجتماعات، تأسیس احزاب، انتخاب شدن و انتخاب گری، ... نباید بتواند به همبستگی اجتماعی - سیاسی خللی وارد بنماید،^۱ زیرا امنیت نظام وابسته به مشارکت بیشینه است و حفظ مقتدرانه نظام و اقتدار ملت سلحشور ایران باید از والاترین اولویت های نظام باشد. البته در راستای اهتمام به این امر حیاتی، نباید هیچ یک از حقوق قانونی افراد و گروه ها، تضییع بشود یا خدای ناخواسته ذره ای از مسیر حق و عدل انحراف پدید آید. در این زمینه حضرت امام خمینی می فرماید: «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید ... یا شنود بگذارد یا دنبال اسرار مردم باشد.» (همان، ج ۱۷: ۱۴۰)

در زمینه مردمی شدن حد اکثری امور، همواره باید تأکید اصلی بر بسیج نمودن جوانان اعم از زن و مرد باشد. نیز از مصادیق بارز مشارکت خواهی در نظام دینی یکی شورا و مشورت خواهی است (که امروز مظاهر آن مجلس و انواع شورا ها در سراسر نظام است: امرهم شوری بینهم^۲ (شوری: ۳۸)؛ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ^۳ (آل عمران: ۱۵۹)) و دیگر مصداق آن وظیفه نظارت همگانی در قالب انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است و سومین مصداق آن نقش آفرینی اراده مردم در زمینه سازی برای عینیت یافتن نصرت الهی است: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا

۱. «از صدر عالم تا کنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند.» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۱۴)

۲. و در میان آن ها کارهایشان به طریق مشورت صورت می پذیرد.

۳. و در کارها، با آن ها مشورت کن!



بِأَنْفُسِهِمْ^۱ (رعد: ۱۱) و چهارمین مصداقش عینیت بخشی به "قیام الله" است در راستای اجرای فرمان الهی: قُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ مِثْنَى وَفُرَادَى (سبأ: ۴۶)؛ این آیه همگان را به قیام و مشارکت برای خدا فرا می خواند. همچنین مشارکت جویی و مشارکت دهی زنان (نیمی از جمعیت کشور) در ساحت های گوناگون فعالیت های اجتماعی، جلوه ای بس مؤثر از مشارکت است. در این باره حضرت امام خمینی در وصیت نامه سیاسی - الهی خویش می فرماید:

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آن ها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لرزه درمی آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه - علیها سلام الله - فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می دانند آنچه به دست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا. (امام خمینی، ۱۳۷۱). نیز مقام معظم رهبری می فرماید: از عناصر قدرت نظام جمهوری اسلامی «اعتماد به نفس ملی» و «تأثیرگذاری مردم در همه امور کشور» است. ما شاهد نمونه های

۱. خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آن ها خود را تغییر دهند.

فراوانی از اعتماد به نفس ملی همراه با ایمان (ایمان به مثابه روحی در کالبد حرکت عمومی کشور و زمینه ساز زنده شدن، امید و ایثار و فداکاری در جامعه) در دوران دفاع مقدس بودیم. (ر.ک: امام خامنه ای، (۱۳۹۷)، خبرگزاری صدا و سیما، ۴/۹؛ «اسلام می خواهد رشد فکری، سیاسی و علمی زنان به حد اعلای برسد و وجودشان برای جامعه حداکثر استفاده را داشته باشند... ما بر اساس تعالیم عالیه اسلامی، در خصوص مسأله زنان معتقدیم که در هر جامعه بشری زنان مقررند در حد خود در زمینه های پیشرفت های علمی اجتماعی سیاسی و مسأله سازندگی تلاش کنند و مسؤولیتی به عهده بگیرند و باید در این زمینه فرصت های لازم را کسب نمایند.» (زن روز، ۱۳۷۲، شماره های ۱۴۳۷-۱۴۳۸) نیز در زمینه مشارکت دادن مردم در تولید می فرماید: "اگر تولید رونق یابد در بخش های مختلف (اشتغال، کاهش تورم، توازن بودجه، تقویت ارزش پول ملی) تحول ایجاد می شود؛ بنا بر این رونق بخشی به تولید باید در برنامه دولت، مجلس و آحاد مردم (دارای توان ورود در وادی تولید) قرار گیرد و انجام بشود." (ر.ک: وفایی نژاد، ۱۳۹۸: ۲)

آزادی خواهی

بعد از عدالت اجتماعی - سیاسی، آزادی به ویژه آزادی سیاسی دارای اهمیت فوق العاده است و باید زمینه های خودشکوفایی معنوی؛ شرح صدر کافی؛ شکوفایی حد اکثری و هر چه والاتر همه استعدادها و برخوردار شدن همگان از تمام حقوق حقه خویش؛ هم افزائی عادلانه قابلیت ها و پیشرفت و تکامل فراگیر، پویا و پایای انسان دوستانه و آینده نگرانه؛ و به طور خلاصه تأمین عادلانه مصالح عالی افراد و کل جامعه، بلکه کل بشریت و آرمان گرایی (کمال گرایی / خدا باوری) - از راه زدودن موانع آزادی (تعصب، تنگ نظری، استبداد رأی، ...) و نیز اعطای مشوق های آزادی - با جدیت هر چه تمام تر پی گیری بشود. حضرت امام خمینی می فرماید: «جامعه فردا جامعه ای ارزیاب و منتقد خواهد بود که در آن تمامی مردم در رهبری امور خویش شرکت خواهند جست.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۳۵۹)



برنتافتن هر گونه مانعی در برابر ایفای نقش و مشارکت حد اکثری مردم و بیشینه سازی فعالیت ها و رفتارهای سیاسی (فردی و گروهی) در نظام سیاسی، حق و ارزشی بس برین است، در راستای عینیت بخشی به توحید سیاسی (آزادی از حاکمیت غیر خدا)، عدالت سیاسی، کرامت انسانی و برخوردار شدن جامعه از تمام آزادی های سیاسی خویش (عقیده، بیان، انتخاب، اندیشه، مطبوعات، ...)، برای نیل ساحت های فرازین و فرودین انسان به برترین کمال ممکن و نزدیک تر شدن هر چه بیشتر به خدای متعال.

در بحث از آزادی سیاسی نقطه اصلی- تمرکز، مصالح عمومی تمام آحاد جامعه، همه گروه ها و نهادها و کل بشریت است. خاستگاه معنایابی و مرزمندی آزادی سیاسی، منظومه اندیشگی توحیدی و حقانی، و اصلی ترین مؤلفه آن، غایت می باشد: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱ (اعراف: ۱۵۷).

متاسفانه تا کنون در غیاب نظریه ای جامع، پویا و کارآمد برای آزادی سیاسی از یک سو برای هر نهاد یا شخصی این امکان وجود داشته که به بهانه آزادی هر ادعائی را مطرح بنماید^۲ یا هر اقدامی را انجام بدهد و یا به بهانه امنیت، دفاع از

۱. آنان که از این رسول، این پیامبر امی که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیروی می کنند- آن که به نیکی فرمانشان می دهد و از ناشایست بازشان می دارد و چیزهای پاکیزه را بر آن ها حلال می کند و چیزهای ناپاک را حرام و بار گرانشان را از دوششان برمی دارد و بند و زنجیرشان را می گشاید. پس کسانی که به او ایمان آوردند و حرمتش را نگاه داشتند و یاریش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی کردند، رستگارانند.

۲. پایگاه اینترنتی «آنتی وار» در گزارشی به نقل از پایگاه اینترنتی «آتلانتیک» و به قلم کانر فرادرسدورف نوشت: خبرنگاران بدون مرز هر ساله ۱۸۰ کشور را بر مبنای چگونگی حمایت و

ارزش های اخلاقی، استقلال کشور و پاسداری از آموزه های دینی، آزادی های مشروع دیگران را پایمال بنماید.^۱ نه مصوبات مجلس با چنان نظریه ای سنجیده می شده، نه اقدامات دو قوه دیگر یا دیگر نهادها. سوء استفاده کنندگان آزادی برای توجیه أُنظار یا اقدام های خویش حد اکثر به نظر اکثریت یا اجتهادهای خویش یا عدم مغایرت با قانون اساسی یا شرع استناد می نمایند، نه نظریه ای تأمین کننده آرمان های انقلاب اسلامی و پذیرفته شده توسط جامعه علمی.

به لحاظ عدم تمهید نظریه ها و روش های ساختارمند سازی آزادی در ساحت اندیشه، قانون گذاری، اجرا و داوری ها (ای حقوقی یا قضائی)، کشور با معضل اساسی ناسازگاری ساختارها با آرمان ها مواجه است؛ از همین رو به لحاظ عدم تشخیص حق آزادی واقعی مردم، به رسمیت شناختن آن ها و نیز دغدغه تأمین بیشینه آن ها، نظام با دشواری های بسیار رو به روست.

عینیت یابی آرمان نظام جمهوری اسلامی ایران در باره فراهم آوردن بیشینه

توجه به آزادی مطبوعات در این کشورها رده بندی می کنند. امسال آمریکا با سقوط شدید در این رده بندی موسوم به «شاخص آزادی مطبوعات» در رده چهل و هشتم جای گرفت. (تهران، واحد مرکزی خبر. (۱۳۹۲)، ۱۱/۲۷).

۱. نمونه زیر مثالی مناسب برای سرگشتگی قانونی یاد شده و پیامدهای مخرب آن است: رئیس قوه قضاییه (حجت الاسلام و المسلمین سید ابراهیم رئیسی) با اشاره به برخی مشکلات قانونی در حوزه منابع طبیعی تصریح کرد: در برخی روستاهای کشور، اهالی به عشق روستا و زادگاهشان با وجود خشکسالی، نبود آب و امکانات لازم، در محل مانده اند و مهاجرت نکرده اند. حال اگر چنین فردی برای گذران زندگی خود، بنایی ساخت نباید با استناد به قانون منابع طبیعی با او برخورد شود. باید به چنین افرادی حتی جایزه داد که اجازه نمی دهند روستاها متروکه و مخروبه بشوند. حساسیت ها باید در خصوص اماکنی باشد که سرسبز و پر آب است؛ نظیر استان های شمالی کشور. بر همین مبنا، قانونگذاران محترم نباید یک نسخه را برای کل کشور بیچند، بلکه در چنین مواردی لازم است با در نظر داشتن ویژگی های اقلیمی، فرهنگی و ... قوانین به صورت منطقه ای و محلی تصویب بشود. (خبرگزاری صدا و سیما، (۱۳۹۸)، ۲۹ خرداد، کد خبر: ۲۴۵۵۳۲۵)



زمینه های آزادی، در گرو ایجاد شدن ساختارهای اجتماعی - سیاسی لازم و تربیت شدن کارگزاران حکیم از زنان و مردان آزاده است؛ چه در غیر این صورت امید بستن به نهادینه شدن این غایت ها در زندگی سیاسی مردم عبث و آب در هاون کوبیدن است. با توجه به حیاتی بودن پیش شرط آزادی سیاسی برای پیشرفت، باید پیوسته به این مقوله به گونه ای حد اکثری نگریسته شود و تا آن جا که آزادی سیاسی در اجرای عدالت سیاسی یا تأمین مصلحت جامعه و بشریت، إخلال ایجاد نماید، باید هر چه بیشتر تقویت بشود. این مهم یکی از خطرترین مسؤولیت های نهادهای حاکمیتی است.

در این راستا یکی از امور بایسته شناسائی روندهای جاری - رعایت یا نادیده انگاری - حق آزادی سیاسی و آینده های محتمل، و نیز تبیین چشم اندازهای آزادی سیاسی، حسب سناریوهای محتمل است. به عنوان مثال اگر علوم انسانی در دانشگاه ها و فضای حاکم بر دانشگاه اسلامی بشود و حوزه های علمیه بیش از پیش فعال بشوند و دانشگاه ها و حوزه ها با هم اندیشی و هماهنگی به شناسائی مسائل جامعه و راه حل های پویای آن بر اساس نظریه اسلامی - ایرانی بیانیشند، امید برای عینیت یابی آزادی حد اکثری افزایش می یابد ولی در غیر این صورت، نمی توان چندان امیدی به پیشرفت چشمگیر در این ساحت داشت. ولی اگر خدای ناخواسته تنگ نظری و افراطی گری تا بدان جا پیش برود که به دو قطبی شدن جامعه بیانجامد، به یقین پیشرفت آزادی با آسیب های جدی مواجه می شود.

حکمرانی خوب

عینیت بخشی به هر آن چه پیشتر گفته شد و بعداً مطرح می شود، همه و همه در گرو حکمرانی خوب است. با توجه به ادبیات این مفهوم، حکمرانی خوب ناظر به الگویابی برای همکاری بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است و هدف آن افزایش کارآمدی نظام سیاسی در اداره جامعه است. (زهیری، ۱۳۹۷: ۵۵، ۵۴) حکمرانی خوب ساحت های گوناگونی دارد که در این مجال به عنوان نمونه به

ساحتی از آن از منظر حضرت امام خمینی اشاره می شود: «اگر مردم بینند که زندگی شخصی دولتمردان و وضعیت دستگاه های حکومت نزدیک به زندگی خودشان است، مردم راضی و قانع می شوند و عصیان تمام می شود». (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۲۵۹) و «حکومت باید در خدمت مردم باشند و به مردم لفظاً و عملاً بفهمانند که ما خدمت گذاریم». (همان، ج ۱۳: ۳۸۲)

معنویت محوری و تربیت مداری

حاکمیت ارزش های اخلاقی بر تمام آموزه های دینی و لزوم تربیت معنوی (و از جمله تربیت سیاسی و نهادینه سازی تقوای سیاسی) انسان ها و جوامع، از رسالت های اصلی دین راستین است. بخش قابل توجهی از محتوای دین ناظر به همین مسؤولیت رهبران دینی و سیاسی است. هیچ جامعه ای نمی تواند هم سودای آزادی سیاسی و استقلال سیاسی داشته باشد، هم نسبت به تربیت معنوی شهروندانش - برای دلخوشی رأی دهندگان و پیروزی در انتخابات یا به دست آوردن دل قدرت های شیطانی - بی تفاوت یا عمداً سهل انگار باشد. زیرا برای استقلال و عزت مندی دولت های مردمی و انقلابی که به خدای بزرگ و بر مردم^۱ و ایمان و سلاح خویش - نه بلوک های نظامی مستکبران - تکیه دارند، هیچ چیز خطرناک تر از فقدان اخلاق و غیرت مسؤولان^۲ از یک سو و رواج اباحی گری و بی بند و باری در بین مردم نیست. یعنی آزادی توسط اقتضائات عدالت محدود می شود، ولی به بهانه

۱. اسلام حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمت گذار دارد. شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمت گذار مردم بدانید. حکومت همان خدمت گذاری است. (امام خمینی، ۱۳۷۸)، ج ۱۳، ص ۲۰۲

۲. اساس ادامه یک پیروزی و انقلاب در امری است که به نظر می آید در راس امور واقع است، و آن این که دولت، مجلس و کسانی که در ارتش و سپاه هستند از طبقه متوسط و مادون باشند. مادامی که مجلس و ارگان های دولتی از این طبقه تشکیل بشود، امکان ندارد یک دولت و قدرت بزرگ اوضاع را به هم بزنند. (همان، ج ۱۶، ص ۱۹)



عدالت یا امنیت و امثال این ها نمی توان حقوق مسلم و خدشه ناپذیر شهروندان، گروه ها و ملت را نادیده انگاشت. به دیگر سخن قانون باید با لحاظ تمام این جهات و ضمن توجه به اولویت ها و موارد اهم هیچ مهمی را فروگذار ننماید.^۱

علم سالاری

مقام معظم رهبری ناظر به آسیب شناسی وضعیت کنونی دانشگاه های کشور و نارسایی های آن نسبت به تولید بایسته علم می فرماید: بی رودربایستی دانشگاه ما از اوّل غلط بنیان گذاری شده؛ این معنایش این نیست که محیط دانشگاه محیط غلط یا بدی است. خوشبختانه دانشگاه ما فراورده های بسیار خوب داشته، لکن بنای دانشگاه به وسیله آدم ها و سیاست های نامطمئن در زمان حکومت طاغوت گذاشته شد و این بنا همچنان وجود دارد: دانشگاه را مبنی بر دین زدایی و تقلید علمی نه ابتکار علمی و تولید علم، بنیان گذاری کردند. دانشگاه این جوری بنیان گذاری شد و خب بعضی از آثارش هم تا امروز هنوز امتداد دارد. بنا بر این یک اصلاح و یک تحوّل و یک سیروورت درونی برای دانشگاه به طور مستمر لازم است (ر.ک: امام خامنه ای، ۱۳۹۷، بیانات در دیدار با جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها، ۳/۲۰) تا دانشگاه به صورت بایسته با انقلاب هماهنگ بشود و «روحیه انقلابی دانشجویان در دانشگاه ضربه نخورد». (ر.ک: همو، ۱۳۷۰، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۹/۲۰)

۱. «ما باید بسیار به فکر مردم باشیم و بر آنان سخت نگیریم که از صحنه خارج شوند»؛ (همان، ج ۱۹، ص ۴۴)؛ «ای دولت ها، فتح مملکت که چیزی نیست، فتح قلوب مهم است». (همان، ج ۱، ص ۱۲۱).

نتیجه گیری

موارد زیر از مصادیق بارز کارآمدی فرهنگ سیاسی هستند:

«مشروعیت؛ نظام انتخاباتی و انتقال آرام قدرت سیاسی، مردم سالاری دینی؛ ارتقا بخشی به مشارکت سیاسی مردم در امور جامعه (سازماندهی پیشرفت گرای بسیج عمومی؛ تعریف، رسالت و کارکرد حزب؛ چگونگی عملیاتی شدن کارکردهای حزب، آسیب شناسی وضعیت فعلی احزاب و اپوزیسیون؛ نظام احزاب و اصول رقابت پذیری، مواجهه و تعاملات سیاسی جریان های سیاسی با یکدیگر، نمایندگی احزاب از دیدگاه ها نه قومیت ها)؛ دولت (حداقلی، چابک، پاکدست، مسؤولیت پذیر و پاسخگو، وفادار به تعهدات خویش، - در صورت اشتباه و ناتوانی مسؤولان- عذر خواه و کناره گیر از مسؤولیت، دارای سازکار ثبوت و انتقال تجربیات به دولت بعد؛ برخوردار از نگرش ملی و جهانی اندیشی)؛ اهتمام ویژه به فناوری و صنعتی شدن، هنر و مهارت ها، از راه شناسائی استعداد های برتر؛ اعتلا بخشی به فرهنگ سیاسی پیشرفت پایه؛ توجه به سرمایه اجتماعی (افزایش اعتماد عمومی، ...)؛ رسانه؛ اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی (تقدم اخلاق بر سیاست)؛ قانون (قانون گرایی، قانون مندی و قانون پذیری)؛ شایسته سالاری؛ تقویت همگرایی سیاسی و همبستگی ملی، انسجام و وحدت؛ مبارزه با فساد (به عنوان عامل جدی کند کننده پیشرفت)؛ کارآمدی گرایی (بوروکراسی کار آمد، هماهنگی میان سه قوه)؛ تأکید بر منزلت و کرامت سیاسی؛ بهره گیری از سنن و آداب و رسوم ملی و اسلامی از راه شناسائی این ظرفیت های اجتماعی؛ مبارزه پیگیر و قاطع با تمام گونه های اسراف و اتلاف انواع سرمایه ها و فرهنگ نادرست مصرف و هنجارها و خصلت های ضد پیشرفت (عدم شفافیت، نفاق، دورویی، حسادت، ...) از راه تقویت منزلت عقل و عقلانیت جمعی بلند مدت و جمع گرایی در هندسه معرفت و عمل سیاسی».

چنین فرهنگ سیاسی کارآمدی از ظرفیت لازم برای ملاحظه "مصالح جمعی و منافع فردی و (در صورت تراحم) تقدم مصالح جمعی، خردمداری (اعتنا به تجارب و دستاوردهای متقن بشری)، عزتمندی و استقلال" کشور برخوردار است. نیز با "ابتنا بر



اقتضائات فطری انسان، دین‌مداری، جامع‌نگری نسبت به رشد معنوی و مادی (و اولویت بخشی به ارزش‌های معنوی در برابر ارزش‌های مادی)، آرمان‌گرایی توأم با واقع‌نگری، واقع‌گرایی اخلاقی، آزادی توأم با مسئولیت، مشارکت فعال بیشینه، تقدم بخشی به فرهنگ و عدالت‌مداری همه جانبه (رعایت استحقاق‌های برابر مبتنی بر کرامت ذاتی در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات جامعه و عدالت بین نسلی - بهره‌برداری امانت‌دارانه از منابع زیستی و مواهب طبیعی جهان، ...) - "را ملاحظه می‌نماید.

تمام محتوای این فرهنگ سیاسی بر مبانی خاص سیاسی یعنی توحید سیاسی، عدالت سیاسی، عقلانیت-و حیانت سیاسی و اخلاق سیاسی مبتنی شده است. در بخش رسالت، ارتقای مستمر و کارآمدی پویا، و در بخش افق همگرایی هر چه بیشتر در جهان اسلام و کل عالم مورد توجه است. نیز بر حکمرانی خوب مردمی (شفافیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، کارآمدی، شایسته‌سالاری، تمرکز زدایی) ساختار قانون مدار و قوانین کارشناسانه و شفاف (ی که اجرای آن‌ها پی‌گیرانه تعقیب می‌شود)، تمرکز شده است.

تنوع فرهنگی در داخل یا خارج از کشور، سرمایه‌ای بس گران سنگ در جهت عینیت‌یابی اهداف الگوی فرهنگ سیاسی کارآمد ارزیابی شده است، هر چند بر لزوم ایجاد تغییرات در فرهنگ و مهندسی فرهنگی (بدون اعمال تحمیل یا اقدامات ناروا) به صورت پیوسته تأکید شده است. مثلاً در کشور ما، به رغم باور مردم به نظام سیاسی خویش؛ گاه برخی بر حسب عادت، انتظاراتی بیش از توان دولت از آن انتظار دارند، که باید تعدیل انتظارات متقابل دولت و ملت از یک دیگر نهاده‌سازی بشود.

نیز بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری در اواخر سال ۱۳۹۷،^۱ می‌تواند یکی از بهترین رهنمودها و خطوط راهنما، برای مهندسی فرهنگ سیاسی کارآمد باشد. این بیانیه از راه بیان رسالت‌نخبگان و الگوی راهبردها، به خوبی آرمان‌ها، ارزش‌ها، ظرفیت‌ها و جهت‌گیری صحیح فرهنگ سیاسی کارآمد را روشن ساخته است.

فهرست منابع

- ۱- ابن ابی جمهور، محمد بن علی الاحسائی. (۱۴۰۵ق). عوالی اللالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. تحقیق: محمدی عراقی، آقا مجتبی. چاپ اول. قم: انتشارات سید الشهداء.
- ۲- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷و). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۱۱. چاپ دوم. قم، مرکز نشر اسراء.
- ۳- ----- (۱۳۹۰ب). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۲۱. چاپ سوم. قم، مرکز نشر اسراء.
- ۴- ----- (۱۳۹۱). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۲۲. چاپ سوم. قم، مرکز نشر اسراء.
- ۵- ----- (۱۳۹۲). تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۲۹. چاپ اول. قم، مرکز نشر اسراء.
- ۶- خامنه ای. سید علی. (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب. khamenei.ir، ۱۳۹۷/۱۱/۲۴.
- ۷- (امام) خمینی (موسوی). سید روح الله. (۱۳۶۹). شئون و اختیارات ولی فقیه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- ----- (۱۳۷۸). صحیفه امام خمینی (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۹- ----- (۱۳۸۶). (وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۰- ----- (۱۳۷۱). وصیت نامه امام خمینی (ره). تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۱- زهیری. علیرضا. (۱۳۹۷). درآمدی بر مسئله کارآمدی در جمهوری اسلامی ایران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۱۲- مجله زن روز. (۱۳۷۲). شماره های ۱۴۳۷ و ۱۴۳۸.
- ۱۳- وفایی نژاد. (۱۳۹۸). «رصد توصیه های مقام معظم رهبری در سال "رونق تولید" (۱۴)». تهران: مدیریت پژوهش های خبری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.



